خط حزب‌الله
نشریه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۵۱ | هفته چهارم شهریور ۹۷ | چاپ و توزیع به همت نیروهای مومن و انقلابی
KHAMENEI.IR
نشریه جامعه مؤمن و انقلابی
صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای)
ارتباط با خط حزب‌ا...
پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸
رایانامه: Khat@khamenei.ir
آی‌گپ: iGap.net/khattehezbollah
بله: ble.im/khattehezbollah
گپ: Gap.im/KhatteHezbollah
سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah

هیئت تراز

کانون هیأت را برای دل‌های مردم باید نگه دارید

وقتی کسی وارد هیئت امام حسین می‌شود هیچ‌کس به او نمی‌گوید فلان‌جا بنشین، فلان‌جا ننشین؛ فلان‌جور بنشین، فلان‌جور ننشین؛ کِی بیا، کِی برو؛ کاملاً همه‌ی تحرّکات، برخاسته‌ی از اراده‌ی مردم و خواست خود مردم است که آن هم ناشی از ایمان آنها است؛ این چیز خیلی خوبی است، این را باید نگه دارید؛ یعنی ارتباط هیئت را به ایمان مردم و عشق مردم، و جاذبه و گیرایی خود هیئت و خود این کانون را برای دل‌های مردم باید نگه دارید، این را باید حفظ کنید، یعنی جوری نشود که حالت اداری و مانند اینها پیدا بکند.● ۹۲/۸/۲۰

خانواده ایرانی

چنین زنی، الگوی همه مردان است

آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت زینب کبری را نشان می‌دهد... با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرائط دشوار، اینگونه صحبت می‌کرد. اینجور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشسته باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای اینها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف‌الحال حضور داشتند؛ حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیرقابل اعتماد مواجه است، اما اینجور محکم حرف می‌زند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، اینجور خودش را در شرائط دشوار نشان می‌دهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم.● ۸۹/۲/۱

مبلغین باید در محرم و صفر مسائل روز را بیان کنند

در این اجتماعاتی که در محرم و صفر می‌شود و در سایر اوقات، مبلغین عزیز و علمای اعلام و خطبای معظّم باید مسائل روز را، مسائل سیاسی را، مسائل اجتماعی را و تکلیف مردم [را] در یک همچو زمانی که گرفتار این همه دشمن ما هستیم، معیّن کنند؛ به مردم و به کشور بفهمانند که ما در بین راه هستیم و باید تا آخر راه ان‌شاءالله، برویم. ما با این ترتیبی که تاکنون بوده است و کشور ما و افراد کشور ما بحمدالله، حاضر بودند، با این ترتیب اگر پیش برویم، آخر کارمان به پیروزی مطلق می‌رسد. لکن نباید سست بشویم. ●۲۵مهر۱۳۶۱

حضور رهبر انقلاب در تشییع شهدا مصادف با ماه محرم در اوایل دهه هفتاد

مسأله‌ی شهید و ایثارگری موتور حرکت جامعه است

مسأله‌ی شهید و ایثارگری، کهنه‌شدنی نیست؛ این، موتور حرکت جامعه است؛ بعضی‌ها از این نکته غفلت می‌کنند. اینکه می‌بینید بعضی با سخن، قلم و حرکات خود، نگاهی به ایثار و شهادت می‌اندازند که آن نگاه منفی و ناسپاسانه است، بر اثر غفلت آنهاست؛ نمی‌فهمند پاسداری از حرمت شهیدان و ایثارگران چقدر برای یک جامعه و ملت و کشور دارای اهمیت است. شما ببینید خون مطهر حسین‌بن‌علی (ؑ) در کربلا در غربت بر زمین ریخته شد؛ اما بزرگ‌ترین مسؤولیتی که بر عهده‌ی امام سجاد(ؑ) و زینب کبری(ؑ) قرار گرفت، از همان لحظه‌ی اول این بود که این پیام را روی دست بگیرند و به سرتاسر دنیای اسلام آن را، به شکل‌های گوناگون، منتقل کنند. ●۸۳/۴/۱۶

حزب‌الله این است

باید برای ساخت چنین جامعه‌ای جهاد کنید

آن راوی‌ای که حوادث روز عاشورا را نقل کرده و در کتاب‌ها دهن به دهن منتقل شده است، می‌گوید: «فو الله ما رأیت مکثورا». مکثور یعنی کسی که امواج غم و اندوه بر سرش بریزد؛ بچه‌اش بمیرد، دوستانش نابود شوند، ثروتش از بین برود و همه‌ی امواج بلا به طرفش بیاید. راوی می‌گوید من هیچ‌کس را در موج بلا مثل حسین بن علی محکم‌دل‌تر و استوارتر ندیدم؛ «اربط جاشا». در میدان‌های گوناگون جنگ‌ها، در میدان‌های اجتماعی، در میدان سیاست، انسان به آدم‌های گوناگونی برخورد می‌کند؛ کسانی که دچار غم‌های گوناگونند. راوی می‌گوید هرگز ندیدم کسی در چنین هنگامه‌ای با این همه مصیبت، مثل حسین بن علی، چهره‌ای شاد، مصمّم، حاکی از عزم و اراده و متوکل به خدا داشته باشد. این همان عزّت الهی است. این جریان را امام حسین در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه‌ای مبارزه کند؛ جامعه‌ای که در آن پستی و جهالت و اسارت انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می‌آید و ممکن است.● ۷۹/۱/۲۶

شرح حدیث

مسأله اصلی امام حسین(ؑ) چه بود؟

نه مسئله، مسئله‌ی این بود که {سیدالشهداء} فقط دنبال حکومت می‌رفت که تا می‌فهمید شهادت است، سر را برگرداند؛ و نه مسئله این بود که حسین در آن روزگار و در آن وضعیت، شهادت را منحصراً درمان این درد تشخیص داده باشد و بخواهد شهید شود؛ نه، امام حسین می‌خواست به یک واجب عمل بکند؛ می‌خواست پای حرف، امضای عمل را بگذارد. اگر حکومت گیرش می‌آمد، پس نمی‌زد؛ اگر شهادت هم پیش می‌آمد با آغوش باز استقبال می‌کرد. از مکه هم که می‌خواست خارج شود، خودش همین را فرمود: «مَنْ كَانَ بَاذِلاً فِينَا مُهْجَتَهُ، وَ مُوَطِّناً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ»(۱)؛ هر کس که حاضر است خون خود را در راه ما بریزد و برای دیدار خدا توطین نفس کرده، بیاید. «توطین نفس کرده» یعنی چه؟ یعنی آماده شده. یعنی در این راه، در این کار، این احتمال هم وجود دارد. مسئله‌ی دیدار خدا و لقاءالله هم یک طرف قضیّه است. اگر آماده‌اید، بیایید. نگفت حتماً شهید می‌شوید؛ گفت در این راه، این مسئله هم وجود دارد؛ اگر آماده‌ی شهادتید، بیایید. البته اگر حکومت هم گیرش می‌آمد، با آغوش باز از آن استقبال می‌کرد. پس برای حسین بن علی(ؑ) انجام یک واجب و یک وظیفه مطرح بود. ●

(منبع: کتاب دوامام مجاهد)

۱) بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۳۶۷

نهج البلاغه

امام حسین مظهر بصیرت و استقامت است

جنبه‌ی عمقی و معنوی آن [قیام حسین(ؑ)]، صاحبان فکر و بصیرت را آگاه می‌کند؛ روشن می‌کند. بنده بارها در طول این سال‌ها این جمله‌ی امیرالمؤمنین (ؑ) را عرض کرده‌ام که فرمود: «وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ»(۱)؛ این پرچم - پرچم انسانیت، اسلام، توحید - را آن کسانی که دارای این دو خصوصیتند، می‌توانند بر دست بگیرند و بلند نگه دارند؛ «البصر والصّبر» بصیرت و استقامت. امام حسین (ؑ) مظهر بصیرت و استقامت است.● ۸۶/۱۰/۱۹ | ۱) خطبه ۱۷۳

خط حزب‌الله
هفته‌نامه خبری-تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی | سال چهارم، شماره ۱۵۱ | هفته چهارم شهریور ۹۷
KHAMENEI.IR
۱۵۱
شهادت مظلومانه سیدالشهداء و ۷۲ تن از یاران باوفایش، بر همه آزادگان عالم تسلیت باد.

هم‌زمان با برگزاری مراسم عزاداری سیدالشهداء
خط حزب‌الله برای اولین بار، جزئیاتی از حسینیه امام خمینی (ره) را منتشر می‌کند

حسینیه‌ای که دشمن از آن سیلی محکم خورد

امام خمینی(ؒ) اوایلی که به جماران رفته بودند، جای مناسبی برای دیدار با مردم نداشتند. مردم صف می‌کشیدند توی خیابان و امام از بالکن خانه و یا پشت‌بام مردم حرف می‌زدند. برای همین، از دحام مردم در کوچه و تدارک چنین اجتماعی، علاوه بر زحمتی که برای مردم داشت، همسایه‌های امام را هم به زحمت می‌انداخت. ساخت مسجد هم که آداب و احکامی داشت، این شد که "حسینیه‌ی جماران" برای دیدار مردم با امام، بزرگ‌تر شد.

بعد‌تر که آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری انتخاب شدند، هر کاری کردند که ایشان هم به جماران بروند، قبول نکردند. آقای رفیق‌دوست تعریف می‌کرد که: «در کنار مصلی، یک عمارت به‌عنوان مقر رهبر ساختیم، آقا از آنجا بازدید کردند، قبول نکردند. یکی از بچه‌ها به من گفت: به آقا بگو هوا آنجا بهتره و چند دلیل دیگر. وقتی من به حضرت آقا گفتم، آقا فرمود: من دوازده سال است اینجا هستم و در این مدت اصلاً احساس هوای بد نکردم، من با بقیه‌ی مردم هیچ تفاوت ندارم. من هم مثل بقیه.» در عوض، مدل حسینیه‌ی جماران را آغاز کردند. به‌خاطر همین، زمین‌های پشت محوطه‌ی ریاست جمهوری، شد محل سکونت و دفتر کار رهبر انقلاب. زمین‌هایی که ساکنان و همسایگانی هم داشت اما از همان اول ابلاغ شد که خانه و کاشانه کسی را به زور نخرند و هیچ یک از خانه‌های مسکونی را از کاربری خود خارج نکنند. همان‌جا حسینیه‌ای هم برای دیدارهای مردمی رهبر انقلاب بنا کردند و اسمش را هم گذاشتند به‌نام نامی امام خمینی(ؒ).

یک بنای ساده با آجر و گچ

حسینیه‌ی امام خمینی(ؒ)، ساختمان خیلی ساده‌ای دارد. یک سالن بزرگ به انضمام یک بالکن سرتاسری که سه چهار متری از کف فاصله دارد. یک نیم‌طبقه هم در مقابل بالکن و با همان ارتفاع از زمین ساخته شده است که به انضمام یک سوم سالن اصلی، بخش ویژه‌ی خانم‌ها است. اول می‌خواستند حسینیه را کاشی‌کاری کرده و تزئینات ویژه‌ی اماکن مذهبی را در نازک‌کاری بنا به کار ببرند، اما دستور رسید "کاشی و آینه نباشد، فقط آجر و گچ!"

نمای داخلی حسینیه هم ساده است و جز در ایام مراسم عزاداری محرم و فاطمیه یا برخی مناسبت‌های خاص، که کتیبه‌های عزا یا متناسب با آن روز نصب می‌شود، معمولا فقط یک "قاب عکس" وجود دارد و سه "قاب خطی". تنها عکس موجود در حسینیه، تصویر امام خمینی (ؒ) است که معمولاً هرجایی رهبر انقلاب بنشینند، پشت سرشان نصب می‌شود. یک قاب خطی، «بسم الله الرحمن الرحیم» است که بر پیشانی حسینیه نصب شده است و دو قاب خطی هم روبروی آقا، و در دو طرف بالکن نصب شده است. سمت راست، «اللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وآلِ مُحَمّدٍ» و سمت چپ، «بَقِيَّتُ اللهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ».

کف حسینیه‌ی امام خمینی هم مانند مابقی قسمت‌های آن، ساده است و با "زیلو" پر شده است. زیلوهای که بخشی از آنها را پیرمرد ۷۰ ساله‌ی میبدی، با دستان خود بافته است. زیلوهایی آبی رنگ و با نقوش چهارگوش اسلیمی، که ته‌مایه‌های آرامش‌بخشی دارند. حسینیه را اول با فرش پر کرده بودند اما رهبر انقلاب مخالفت کردند. انتخاب ایشان چیز ارزان‌تری بود: زیلو! همان «زیلوی ساده‌ی همیشگی» که از حسینیه‌ی امام تا حرم امام، همراه رهبر در این چند سال رفته است.

کتیبه‌هایی که تغییر می‌کنند

درست بالای بالکن حسینیه‌ی امام خمینی، جایگاه "کتیبه" است. این کتیبه معمولا در هر دیدار و به فراخور موضوع نشست تغییر می‌کند. در این تغییر، به شأن مدعوین و یا مطالبات رهبر انقلاب هم توجه می‌شود. در طراحی و نگاره‌سازی این کتیبه‌ها، اغلب از آیات قرآن کریم، نهج‌البلاغه و یا روایاتِ مهمی استفاده می‌شود که قبلاً هم در بیان رهبری خط و نشانی داشته‌اند. مثلا در دیدار دانشجویی امسال، جمله‌ی معروف امیرالمؤمنین(ؑ) درباره‌ی اهمیت علم نصب شده بود: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه». یا در همین دیدار اخیر اقشار مردم در مردادماه، آیه‌ی ۱۲۰ سوره‌ی آل‌عمران نوشته شده بود: «وَإِن تَصبِروا وَ تَتَّقوا لا يَضُرُّكُم كَيدُهُم شَيئًا»، «اگر (در برابر دشمن) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنانه) آنان، به شما زیانی نمی‌رساند.» این شب‌ها هم که مراسم عزای سیدالشهداء در حال برگزاری است، ورودی حسینیه، جمله‌ی «سلام علی قلب زینب الصبور و لسانها الشکور» نصب شده است و روبرو هم حدیث امام صادق(ؑ) که: «من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حب الحسین علیه السّلام و سمت زیارته».

برنامه‌های حسینیه هم همگی بلااستثنا با تلاوت قرآن آغاز می‌شود و اگر مراسمات محرم یا فاطمیه باشد، قبل از اذان، احکام گفته می‌شود و بعد هم به ترتیب نماز جماعت، تلاوت قرآن، مداح پیش‌منبر، سخنرانی و مداحی ادامه پیدا می‌کند. جالب اینکه مجموع همه‌ی این بخش‌ها هم بیشتر از دو ساعت و نیم نمی‌شود.

سیلی محکم به دشمن از حسینیه

رسم این است که حسینیه‌ها در مراسم مذهبی تقویمی اعم از اعیاد و شهادت‌ها برنامه دارند. حسینیه‌ی امام خمینی (ؒ) هم از این قاعده مستثنی نیست و در ایام محرم و فاطمیه، برنامه‌ی ثابت دارد. اما حسینیه‌ی امام، چیزی فراتر از اینهاست و کارکردهای سیاسی-اجتماعی دیگری هم دارد. مثلا در ایام انتخابات، یکی از شعبه‌های اخذ رأی، همین حسینیه بوده است. ۳

سخن هفته

۱ از سال ۷۲ تا به امروز هم، همه‌ی مراسمات تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، در این حسینیه برگزار شده است. گاهی اوقات هم حسینیه تبدیل شده است به یک نمایشگاه خاص. مثلا سال ۷۸ که رهبر انقلاب از وضعیت فرهنگی ناراضی بودند، نمایشگاه کتاب را به حسینیه آوردند. یا اوایل امسال هم نمایشگاه کالای ایرانی در حسینیه برگزار شد. چندین بار هم نمایشگاه دستاوردهای علمی در حسینیه برگزار شده است و مانند آن. از سوی دیگر دیدارهایی در این حسینیه برگزار شده که از دل آن‌ها خط‌مشی نظام ریل‌گذاری شده است. موضوعاتی مثل نهضت تولید علم، عدالتخواهی، مردم‌سالاری دینی، مبارزه با مفاسد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، انقلابی‌گری و... از همین حسینیه مطرح شد و خیلی از آنها تبدیل به "گفتمان عمومی" جامعه‌شد.

خیلی از واکنش‌های بین‌المللی هم در همین حسینیه اتفاق افتاده است. از همین حسینیه بود که غربی‌ها سر ماجرای میکونوس، سیلی محکمی از ایران خوردند. رهبر انقلاب دستور دادند که سفرای کشورهای اروپایی به ایران برنگردند و در فرستادن سفرای ایرانی به اروپا هم هیچ تعجیلی صورت نگیرد. مواضع قطعی ایران درباره‌ی رخدادهایی چون یازده سپتامبر، جنگ خلیج فارس، طرح خاورمیانه‌ی بزرگ، جنگ افغانستان و عراق، پرونده‌ی هسته‌ای ایران، مذاکره با آمریکا، بیداری اسلامی، حوادث اخیر منطقه و... هم در همین حسینیه بیان شد. جدیدترین و آخرین موضع رهبر انقلاب هم شاید جواب ایشان به مهملات رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر اعلام تلویحی جنگ یا مذاکره با ایران بود، که رهبر انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم در ماه قبل، صراحتا جواب او را دادند: «به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملّت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد.» برای همین هم هست که حسینیه‌ی امام خمینی(ره)، چیزی فراتر از حسینیه‌های مرسوم است.

حسینیه امام خمینی(ره) امتداد حسینیه جماران

حسینیه در عصر انقلاب اسلامی، صرفا محلی برای اقامه عزا نیست و حالا تبدیل شده است به مرکز عقلانیت و رشد و بلوغ جامعه. سال‌ها پیش رهبر انقلاب درباره‌ی حسینیه‌ی جماران چنین گفته بودند: «حسینیه‌ی جماران، نقطه‌ای است که همواره سازنده‌ی تاریخ انقلاب ما در طول ده سال اخیر بوده است. در این نقطه و در زیر همین جایگاه مقدس و متبرک بوده که ما توانسته‌ایم در طول این ده سال، تجربه‌های دشوار را از سر بگذرانیم و مقاطع حساس را در زندگی انقلابی خود شروع کنیم و درس‌های سازنده را از امام و معلم و مرادمان بگیریم. خلاصه اینکه ملت ایران، در این نقطه حرکت‌ها را آغاز کرده، در مشکلات به این نقطه پناه آورده و از این نقطه، مقاطع حساس را آغاز کرده است.» ۶۸/۵/۱۲ و حالا، حسینیه‌ی امام خمینی(ره) امتداد حسینیه‌ی جماران است. باری، از جماران تا فلسطین جنوبی، یک خط مستقیم است: "خط انقلاب".●

گفتاری از رهبر انقلاب درباره مفهوم صحیح «جهاد» در فرهنگ اسلامی

همرزمان امام حسین(ع) را بشناسید

«انسان ۲۵۰ ساله» اصطلاحی است که رهبر انقلاب برای تاریخ زندگی سیاسی-اجتماعی معصومین پس از پیامبر(ص) مطرح فرموده و آنها را به مثابه "یک انسان" می‌دانند. انسانی که محور اصلی زندگی او، مسأله‌ی «جهاد» با ظلم و انحراف، و مبارزه‌ی سیاسی حادّ با حکومت‌های ظلم است؛ اگرچه صورت و قالب این جهاد و مبارزه، با توجه به مقتضیات و شرایط زمانه، تفاوت‌هایی با هم داشته است. محرم سال ۱۳۵۱ شمسی، که فضای اختناق حکومت پهلوی بیداد می‌کرد، رهبر انقلاب در هیأت "انصارالحسین(ع)" تهران حضور پیدا کرده و مباحث مفصلی در این‌باره مطرح کردند که سال گذشته مجموع این مباحث، در کتابی با عنوان «همرزمان حسین(ع)» توسط انتشارات انقلاب اسلامی به چاپ رسید. اطلاع‌نگاشت زیر، گزارش کوتاهی است از شب چهارم این سخنرانی، که رهبر انقلاب، درباره‌ی مفهوم صحیح «جهاد» در فرهنگ اسلامی، موضوعاتی را بیان فرمودند.

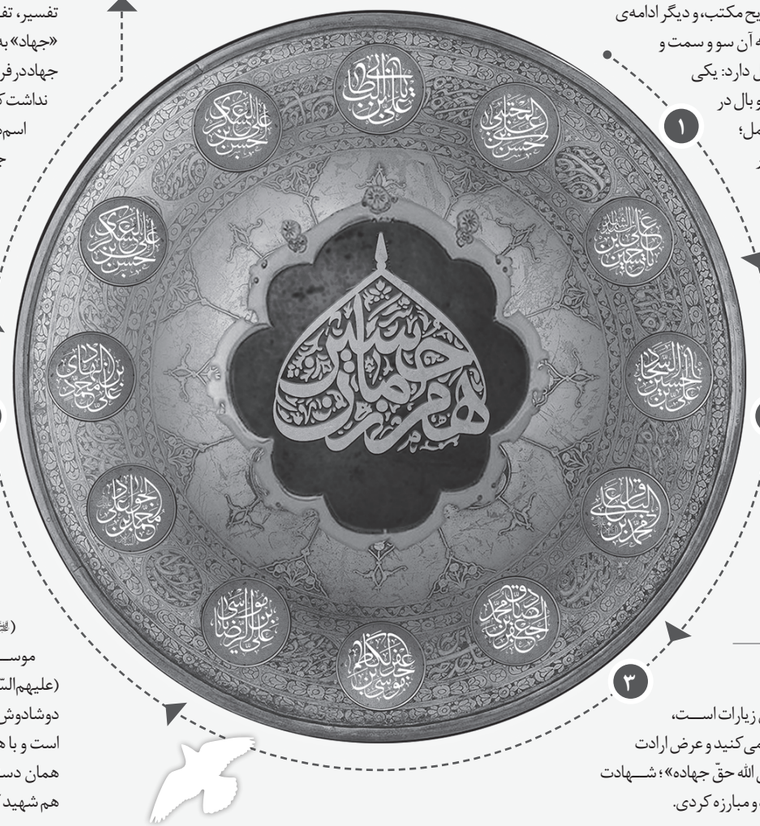

۱ دو منصبی که امام بر عهده دارد

فلسفه‌ی امامت و آن موجبی که دوره‌ای به نام امامت را در تاریخ اسلام ضروری کرده، دو چیز است: یکی عبارت است از تفسیر و تدوین و تطبیق و تشریح مکتب، و دیگر ادامه‌ی راه پیغمبر و منذر(ص) و هدایت کردن جامعه‌ی انسان‌ها به آن سو و سمت و جهت که پیغمبر(ص) مقرّر و معیّن کرده بوده است. پس امام دو شغل دارد: یکی مربوط به «مکتب»، یکی مربوط به «جامعه». امام دو بال دارد که با این دو بال در آفاق محیط امامت پرواز می‌کند؛ یکی مربوط به فکر، یکی مربوط به عمل؛ یکی مربوط به ذهن، یکی مربوط به واقعیّت؛ یکی این است که قرآن را در دست بگیرد، دیگر این است که زمام جامعه‌ی اسلامی را قبضه کند. این دو کار به‌عهده‌ی امام است.

۲ زندگی ائمّه چگونه گذشته است؟

در اینجا می‌رسیم به نکته‌ی اساسی مطلب بحثمان. اینکه زندگی ائمّه‌ی دوازده‌گانه‌ی ما (ع) چگونه گذشته است؟ وضع زندگی اینها در اجتماع زمان خود چگونه بوده؟ به‌حسب مطالعه‌ای که ما در زمینه‌ی زندگی این بزرگواران کرده‌ایم، ادّعای ما این است که ائمّه‌ی ما از آغاز تاریخ امامت - جز یک استثنای کوچکی، که بعد، این استثنا را هم عرض میکنم - تا روزگار شهادت امام عسکری - امام یازدهم(ع) - تقریباً در مدّت این دویست و پنجاه سال، زندگی‌شان زندگی مبارزه و جهاد است. اینها یک عدّه مردم مجاهد بودند. این ادّعای ما است.

۳ دلیل روایی و نقلی اثبات مدعا

برای خاطر اینکه خود شما در زیارت امین‌الله که از معتبرترین زیارات است، وقتی که خطاب به هریک از ائمّه‌ی معصومین(ع) صحبت می‌کنید و عرض ارادت می‌کنید، از جمله این را می‌گویید که: «اشهد انّک جاهدت فی الله حقّ جهاده»؛ شهادت می‌دهم که به‌تحقیق و بی‌شک تو در راه خدا آن‌چنان که شایسته است، جهاد و مبارزه کردی.

۴ هم‌رزمان امام حسین(ع) را بشناسید

بنده یک‌وقتی در جایی یک سخنرانی در این زمینه کردم؛ عنوان سخنرانی، «هم‌رزمان حسین» بود. یعنی امام صادق(ع) هم‌رزم حسین(ع) است، در میدان حسین است؛ موسی‌بن‌جعفر، امام جواد، امام هشتم (علیهم‌السّلام) هم‌رزم حسین‌اند، در میدان حسین و دوشادوش حسین. امام صادق دوشادوش حسین است و با همان دشمن می‌جنگد و مبارزه می‌کند؛ با همان دستی که حسین(ع) را شهید کردند، او را هم شهید کردند؛ منتها در دو میدان.

۵ جهاد در فرهنگ اسلامی، مطلق کوشش نیست

اما درباره‌ی جهاد دو تفسیر غلط وجود دارد و یک تفسیر درست. آن دو معنای انحرافی که عرض کردم، یکی‌اش این است: می‌گویند جهاد برطبقِ لغت، یعنی کوشش؛ و جهاد در راه خدا، یعنی مطلقِ کوشش در راه خدا. برای اینکه این معنا را درست در خارج پیاده کنند، میگویند هر کاری که شما برای خدا میکنید، یک کوششی است و یک جهاد است. میگویند: «آقا! جهادی که در اسلام هست: «و جاهِدوا فِی اللهِ حَقَّ جِهادِه» - یعنی اینکه تلاش کنید برای کسب، علم، زندگی، برای دیدار دوستان و... هر زحمتی که بکشید، جهاد فی‌سبیل‌الله است. این تفسیر، تفسیر غلطی است. ما منکر نیستیم که لغت «جهاد» به‌معنای مطلق کوشش است امّا اگر چنانچه جهاد در فرهنگ اسلامی به این گل‌وگشادی بود، لزومی نداشت که اسم خاصّی روی این بگذارند در مقابل سایر اسم‌هایی که در اسلام هست. خب، نماز هم یک جهادی است بنابراین؛ به حج رفتن و زکات دادن و همه‌ی اعمال اسلامی یک جهادی است بنابراین؛ چرا یک اسم خاصّی رویش بگذارند؟ چرا بیخودی بیایند یک واژه‌ی دیگری درست کنند؟ پس جهاد، مطلقِ کوشش نیست.

۶ جهاد فقط مبارزه مسلّحانه هم نیست

تفسیر غلط دیگر، نقطه‌ی مقابل این است. می‌گویند جهاد در اصطلاح قرآن و حدیث یعنی جنگ با شمشیر در یک میدانی که دشمن آن طرف ایستاده‌باشد، تو این طرف ایستاده‌باشی، شمشیر را از غلاف بیرون بکشی و بزنی به دشمن، یا تیر و نیزه را او به تو بزند و تو به او بزنی. این می‌شود جهاد. این تعبیر هم درست نیست. درست است که جهاد در فقه اسلامی به این معنا استعمال شده امّا در قرآن، جهاد به این معنا نیست. چرا، این، اعلی‌مرتبه‌ی جهاد است، نقطه‌ی عالی و اوج واژه‌ی جهاد است، امّا نه اینکه همه‌ی جهاد باشد؛ نه، جهاد ممکن است شقوق و اَشکال دیگری هم داشته باشد و دارد. بنابراین تفسیر دوّم هم غلط است.

۷ معنای درست جهاد چیست؟

آنچه به نظر ما تفسیر واقعی کلمه‌ی جهاد است، این است: جهاد عبارت است از تلاش و کوشش در راه پیشبرد هدف؛ منتها آن تلاش و کوششی که با درگیری با دشمن همراه نیست، اسمش جهاد نیست. یعنی اگر ما بخواهیم یک واژه‌ی کوچکی را، یک لغت بسیطی را در فارسی انتخاب کنیم که جهاد قرآن و جهاد روایت را با آن بخواهیم تطبیق کنیم و این واجب را بفهمیم، باید کلمه‌ی «مبارزه» را بگوییم. فرض بفرمایید یک نفر دانشمند محقّقی برود بنشیند درباره‌ی یک مسئله‌ی حقوقیِ خشکِ غیر لازم، یا حتّی لازم زحمت بکشد و تحقیق کند، به کار او جهاد نمی‌گویند امّا همین آدم کتاب‌نویس می‌رود درباره‌ی یک مسئله‌ای که در آن، درگیری با دشمن هست، تحقیق می‌کند {این می‌شود جهاد}. پس اگر بخواهیم معنای جهاد را درست تشریح کنیم، باید بگوییم جهاد به‌طور مطلق یعنی درگیری و مبارزه‌ی با قدرت‌های ارتجاعی ضدتعالی و تکامل انسانی، هرجور که با اینها درگیری کردید، این در اسلام اسمش جهاد است.

روش تحلیل سیاسی

بی‌بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این‌که خود بدانند

عاشورا پیام‌ها و درس‌هایی دارد. عاشورا درس می‌دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد. درس می‌دهد که در راه قرآن، از همه چیز باید گذشت. درس می‌دهد که در میدان نبرد حقّ و باطل، کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان، شریف و وضیع و امام و رعیّت، با هم در یک صف قرار می‌گیرند. درس می‌دهد که جبهه‌ی دشمن با همه‌ی توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است - همچنان که جبهه‌ی بنی‌امیه، به‌وسیله‌ی کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید، و بالأخره هم این ماجرا، به فنای جبهه‌ی سفیانی منتهی شد - درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در جبهه‌ی باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این که خود بدانند. همچنان که در جبهه‌ی ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند.● ۷۱/۴/۲۲

خاطرات رهبری

شعرهیأت، در خدمت مفاهیم سیاسی روز

ایّام انقلاب - در همان ایّام محرّم - یادم است نواری برای من آوردند از سینه‌زنی در جهرم - ما مشهد بودیم - به قدری این مؤثّر [بود]؛ اوّلاً زیبا بود از لحاظ خود شعر و لفظ و معنای شعر؛ ثانیاً از لحاظ آهنگ؛ ثالثاً مهیّج، محرّک، راهنما؛ خیلی ارزش داشت. بعد از آن، از یزد [نواری] آوردند، که از این دو شهر من یادم است، جایی دیگری من ندیدم؛ خب مفاهیم سیاسیِ آن روز را که در مبارزه مطرح بود، در قالب نوحه منتقل کرده بودند. ما شبیه این را در دوره‌ی دفاع مقدّس داشتیم؛ این نوحه‌هایی که آقای آهنگران خواند - و آن شاعر محترمی که خدا رحمتش کند، آقای معلّمی، که در اهواز برای ایشان شعر می‌گفت - آنها هم همین‌جور، اینها هم شعرهایی و نوحه‌هایی بود که آموزش‌دهنده بود. ما باید این کار را جدّی دنبال بکنیم.● ۹۵/۳/۳۱